

## بررسی روابط سیاسی ایران و چین در عهد تیموریان

فیض‌الله بوشاسب<sup>۱</sup>

صادق کریمی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر، بررسی روابط سیاسی میان ایران و چین در عهد تیموریان است. این مقاله با نگاهی کوتاه به تاریخچه روابط ایران و چین از عهد باستان تا عصر مغولان آغاز شده، سپس با شرح و بررسی این روابط در زمان تیمور و جانشینانش ادامه پیدا می‌کند. برای تحقق اهداف این پژوهش نمونه‌ها و اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای استخراج گردیده و به روش توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد برغم تیرگی روابط سیاسی میان طرفین در زمان تیمور و تهدید به حمله و تصرف چین از سوی وی، در دوره شاهرخ تیموری، این روابط بسیار حسنه و دوستانه گردید. هرچند در زمان جانشینان شاهرخ روابط بازرگانی و فرهنگی با چین همچنان پابرجا بود، اما به دلیل منازعات جانشینی و فقدان ثبات سیاسی و تغییر مستمر حاکمان در ایران، همچنین ایجاد برخی تغییرات و محدودیت‌ها در مسیرهای تجاری و بازرگانی بین دو کشور، روابط میان طرفین به حداقل مقدار ممکن رسید.

**کلیدواژه‌ها:** روابط سیاسی، ایران، چین، تیمور، شاهرخ.

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد و مدرس دانشگاه پیام نور.

## مقدمه

بدون تردید روابط ایران و چین به گذشته‌های دور باز می‌گردد. ابن‌اسفندیار در کتاب تاریخ طبرستان خاطر نشان می‌سازد که در زمان «دارا» [داریوش] پادشاه چین خراج‌گزار ایران بوده و در مواقع معین باج و خراج می‌پرداخت (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۵۸). از قرن دوم قبل از میلاد دولت روم (ایتالیا) عامل مهم اقتصادی در حوزه دریای مدیترانه بود. فتوحات این دولت ثروت‌های زیادی را به خود جلب نمود. محصولاتی چون ادویه، ابریشم، سنگ‌های قیمتی و تزیینی، عاج و عطریات را از چین و هند بسوی خود روان ساخت و از سوی دیگر مفرغ، شیشه، شراب، روغن و طلا به چین و هند صادر می‌نمود اما ایران به عنوان میانجی و واسطه بازرگانی نقش مهمی ایفا می‌نمود.

در ایران مراکزی برای بازرگانان، واسطه‌گران، کاروانیان و همچنین تشکیلات ویژه‌ای برای دریانوردان و حمل و نقل دریایی تأسیس گردید. اعزام سفیر از چین به دربار اشکانی باعث شد روابط مستقیمی بین دو کشور برقرار شود (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۳۳۷-۳۳۸). در عصر اشکانیان روابط ایران و چین در زمان مهرداد دوم (اشک نهم ۷۶-۱۲۴ ق.م) برقرار گردید. «ووتی» (۱۸۷-۱۴۱ ق.م) فغفور (پادشاه چین) از سلسله معروف هان که در صدد بسط قلمرو حکومت خود در مغرب چین بود به اعزام هیأت‌های سیاسی و تجاری اقدام کرد.

«جانک چیان» اولین سفیر چین که مأمور سرزمین‌های غربی چین و پارت شده بود به ریاست یک هیأت صد نفری تعیین شد ولی خود به ایران نیامد و معاونش را برای کسب اطلاع از اوضاع کشور پارت به این سرزمین فرستاد. از او استقبال باشکوهی بعمل آمد (بیانی، ۱۳۵۲: ۴۲).

در دوره ساسانی نیز میان ایران و چین مناسبات صمیمانه‌تری برقرار گردید. میان سال‌های ۵۲۱-۴۴۵ م. ده هیأت نمایندگی از ایران به چین رفت و با زمامداران این کشور به مذاکره پرداخت. در این دوره علاوه بر مسائل بازرگانی و تجاری، رفت و آمدهای سفرا و نمایندگان

سیاسی همچین جهانگردان و زائران بودایی چین به ایران و ممالک همجوار فزونی گرفت. نفوذ ادیان ایرانی مانند دیانت زرتشتی و مانوی و نیز اشاعه آیین نسطوری در چین مربوط به مناسبات میان دو کشور در این دوره است (آذری، ۱۳۶۷: ۳۸-۳۴).

برای آگاهی بیشتر از روابط ایران با چین در سده‌های نخستین اسلامی و همچنین چگونگی ورود اسلام به چین می‌توان به کتاب *تاریخ روابط ایران و چین* مراجعه نمود، اما ذکر این نکته ضروری می‌نماید که در منابع تاریخ‌نگاری اسلامی نام چین با اسامی مختلف آمده است.

لفظ «چین»، امروزه شامل چین شمالی و چین جنوبی است اما در گذشته منظور مسلمانان از آن، چین شمالی بود (بارتولد، ۱۳۷۶: ۱۰۴)، و برای چین جنوبی لفظ «ماچین» را بکار می‌بردند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). ختن، واژه مشابه ختا، نام شهری در ترکستان شرقی بوده و جزء قلمرو اصلی چین محسوب نمی‌شده است (بارتولد، ۱۳۷۶: ۱۰۴). چینیان نیز ایرانیان را «تات سین» که به معنی کشور دور دست است می‌نامیدند (لمب، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

### روابط ایران و چین در عصر مغولان

پس از ورود اسلام به ایران، به ویژه در عصر مغولان ارتباط میان دو کشور ایران و چین بیشتر شد. در آغاز قرن هفتم هجری مغولان دشمن مشترک میان این دو کشور به حساب می‌آمدند و کشتار و ویرانی و خرابی‌های زیادی که به بار آوردند چیزی نبوده که منابع درباره آن سکوت اختیار کرده باشند.

با هجوم مغولان و ایجاد دولت واحد عظیمی که از آخرین نقطه شرق آسیا تا بخش‌هایی از شرق اروپا را در بر می‌گرفت، موانع و مشکلات دادوستد و بازرگانی و تماس مدنیت از میان برخاست و بار دیگر روابط بازرگانی میان شرق و غرب فعالیت خود را از سر گرفت. راه خشکی ایران و چین یا جاده کهن ابریشم حیات دوباره یافت و بازرگانان ایرانی، ترک، تاتار، چینی، عرب و

ایغوری به مبادله کالا پرداختند. راه دریایی یا راه ادویه که بنادر ایران را با بنادر خاور دور در ارتباط مستقیم قرار می‌داد، نیز در این زمان رونق و شکوفایی تمام یافت (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

درخصوص روابط ایران و چین در عصر مغولان سفرنامه‌های مارکوپولو و سفرنامه ابن بطوطه اطلاعات ارزنده‌ای ارائه می‌دهند همچنین کتاب جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز از این جهت بسیار ارزنده است.

امپراتوری مغول پس از فتح کامل چین و انتخاب پکن به جای قراقروم، در دوران حکومت «قوبیلای قآن» (۶۵۸-۶۹۳ق) مجذوب فرهنگ و تمدن چینی گردید و تقریباً ماهیت مغولی خویش را ازدست داد و چینی مآب شد (بیانی، ۱۳۸۶: ۸۰). امپراتور با آنکه خود از مدت‌ها پیش بر اثر تبلیغات رهبانان چینی رسماً بودایی شده بود، سیاست نیاکان خویش را که اعطای آزادی مذهبی به همه اقوام و ملل بود، دنبال کرد و دستور داد متون بودایی، انجیل، تورات و قرآن را به زبان مغولی ترجمه کردند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۶۶-۶۵/۳). این سیاست مذهبی باعث نفوذ و رقابت عنصر ایرانی و چینی در دستگاه مغول گردید که در نهایت در این بین تفوق و برتری با ایرانیان بود.

در اولین فتوحات در چین شمالی، اداره مناطق مفتوحه به دست یک شخصیت ایرانی بنام «محمود یلواج» سپرده شد و از آن زمان بود که پای ایرانیان در کار حکومت چین گشوده شد (بیانی، ۱۳۸۶: ۸۱). ابن بطوطه جهانگرد بزرگ اسلامی نیمه اول قرن هشتم هجری یک قرن بعد از قوبیلای هنگام مسافرت به چین درباره مجلس پذیرایی و ضیافتی که در شهر «خنسا» از او شده و حضور آوازه خوانی و شعرخوانی به زبان فارسی که نشان از احترام و نفوذ عناصر ایرانی در دربار مغولان و چین داشت، بطور مفصل بیان نموده است (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۷۵).

باید به این مطلب اشاره کرد که رفت و آمد بازرگانانی همچون برادران پولو از ونیز تا قراقروم نتیجه توجهی است که ایلخانان مغول به امر بازرگانی ابراز می‌کردند. این توجه که از زمان چنگیزخان با گشودن راه ابریشم آغاز شده بود، در زمان قوبیلای قآن نواده وی به اوج

اعتلا رسید. از امتیازات مهم این دوره یکی آمدورفت تجار مسیحی و مسلمان به چین و دیگر انتشار زبان فارسی در آن کشور بود. زیرا این پادشاه وقتی می‌خواست بلاد چین جنوبی را فتح کند، معروف‌ترین مهندسين ایران و شام را برای ترتیب عراده‌های جنگی و منجنیق فراخواند و همیشه عده زیادی از ایرانیان ماوراءالنهر و خراسان در دربار او بودند.

نفوذ ایرانیان در دربار قویلیای و عمال اداری او در چین چندان بود که این خان مغول، وزارت خود را پس از محمود یلواج به یک ایرانی بنام «سیداجل» سپرد و او ۲۵ سال این مقام را داشت تا اینکه درگذشت. بعد از او هم وزارت قویلیای به ایرانی دیگری بنام «امیر احمد بناکتی» رسید (نویسی، ۱۳۶۶: ۳۸).

با گسترش روابط میان مغولان چین و ایلخانان، علوم و فنون ایران و چین در همدیگر نفوذ متقابل یافت. برخی از ایرانیان در چین به سمت فرمانروایی بعضی از ولایات منصوب شدند و به مقام وزارت رسیدند. زبان فارسی در چین رواج و رونق یافت و گروهی از دانشمندان چینی با هلاکو به ایران آمدند و هنرهای چینی به خصوص نقاشی در ایران توسعه پیدا کرد، به قول عباس اقبال آشتیانی: «نقاشی به طریقه مینیاتور اصلاً از ابتکارات هنرمندان ایرانی بوده که در چین تکامل یافته است» (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۷: ۵۵۷).

### روابط ایران و چین در عهد تیمور

در زمان تیمور (۸۰۷-۷۷۱ق) شهر زیبای سمرقند رونق و اعتبار بسیار یافت. کالاهای ارزنده چین و هند و سایر نواحی در بازارهای این شهر در معرض خرید و فروش قرار گرفت.

«کلاویخو» در سفرنامه‌اش اطلاعات گرانبهایی در این خصوص ارائه می‌دهد که از جانب

«هانری سوم» پادشاه اسپانیا با گروهی دیگر به سفارت به نزد تیمور آمده و می‌نویسد:

«از چین پرنیان بسیار مرغوب و عالی که در جهان بی‌نظیر بود و مخصوصاً

حریر چینی غیر زربفت می‌آوردند و نیز از چین مشک که فقط در آن کشور

یافت می‌شود و دیگر کالاهایی که به داشتن آنها مشهور است به مقدار زیاد در

آن مملکت وجود دارد، کالاهایی که از چین به سمرقند می‌آورند به راستی که از همه‌ی آنچه از سرزمین‌های بیگانه به آن شهر می‌آورند پرارزش و گرانبهاتر است» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۹۱).

در زمان تیمور (۸۰۷-۷۷۱ق) سلسله مغولی چین که چینیان آن را «یوان» می‌خواندند از میان رفته و جای آن را سلسله «مین» یا «مینگ» گرفته بود. تیمور چندین بار سفیرانی به دربار چین فرستاد و در هر نوبت، هدایا و تحفی به وسیله آن سفرا ارسال داشت که «رنه گروسه» به تعبیری آنها را باج دانسته است (گروسه، ۱۳۶۸: ۷۵۴). با مرگ «هونگ‌وو» (۸۰۲ق./ ۱۳۹۹م.) و به قدرت رسیدن پسرش «چیتنگسو» با لقب امپراتور «یونگلو» که از ۸۰۶ تا ۸۲۹ق. سلطنت کرد، سفیرانی از طرف وی به دربار تیمور آمدند و طلب خراج معوق نمودند. از مندرجات سفرنامه «کلاویخو» برمی‌آید که همزمان با ورود هیأت سیاسی اسپانیا در سمرقند، هیأتی هم از جانب امپراتور چین در پایتخت تیمور بوده و ظاهراً این هیأت برای مطالبه خراجی آمده بود که در هر سال تیمور پرداخته بود، ولی این بار تیمور قصد پرداخت خراج نداشت و به همین جهت سفارت ختا (چین) را مورد توهین و تحقیر قرارداد و آنان را زیر دست سفیر اسپانیا نشانید و به دستور تیمور یکی از بزرگان مجلس سفیر ختا را مخاطب قرار داده گفت که: «اعلی حضرت او را فرستاده تا به او بگوید که سفیران پادشاه اسپانیا دوست مهربان و پسر او و شایسته آنند که در بالای دست وی که سفیر مردی دزد و بد دل و دشمن تیمور است بشینند و سفیر آن مرد باید زیر دست ما قرارگیرد» (نوایی، ۱۳۶۶: ۷۷؛ مظاهری، ۱۳۷۲: ۴۸-۴۷).

تیمور در نظر داشت در زمانی کوتاه این امر را فیصله دهد تا دیگر چینین درخواستی از او نکنند. پاسخ تیمور به این سفیران چین که مطالبه خراج معوق نمودند پیام‌آور این بود که پیام آنها بسیار متین و راست است و او نیز به همین جهت در صدد است آنچه بدهی دارد بپردازد، منتها برای اینکه سفیران را با بردن بار خراج زحمت ندهد، خود شخصاً آن را می‌آورد. این همه را با ناسزا و سخنان درشت بر زبان راند، زیرا که هیچ آهنگ پرداختن خراج نداشت (بوآل، ل، ۱۳۴۳: ۷۴). در واقع هدف تیمور تسخیر سرزمین چین بود و این جملات را با نیش و کنایه و

تمسخر به سفیران دولت چین گفته بود. کلاویخو از آمدن هیأت سفارت چین و دستگیری آنها و توقیف کالاهای آنان خبر می‌دهد (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۹۹-۲۹۵).

علاوه بر وجود چنین زمینه‌هایی برای درگیری بین طرفین، می‌توان به گرایش‌های ماجراجویانه تیمور و همچنین دلایل اقتصادی و کسب غنایم برای حمله به چین اشاره نمود. زیرا با تصرف قلمروهای شرق، سرزمین‌های حاصل‌خیز در اختیار تیموریان قرار می‌گرفت (بارتولد، ۱۳۷۶: ۸۵).

برای ایجاد شور و شعف جهاد در بین سپاهیان، مورخین آن دوره به همراه مبلغین دربار تیموری، درصدد برآمدند به عملیات او در چین، جنبه جهادی بدهند صاحب کتاب *طفرنامه* (یزدی، ۱۸۸۷: ۴۵) و *منتخب التواریخ معینی* (نطنزی، ۱۳۳۶: ۴۰۵)، هر دولشکرکشی فوق را جهاد دانسته‌اند، با مرگ تیمور نقشه لشکرکشی به دلیل شروع منازعات داخلی معطل ماند (یزدی، ۱۸۸۷: ۴۷۷).

به‌رغم تیرگی روابط ایران و چین در زمان تیمور، روابط بازرگانی بین دو کشور رونق داشت. با توسعه شهر زیبای سمرقند، کالاهای ارزنده‌ی چین و سایر نواحی در بازارهای این شهر در معرض خرید و فروش قرار می‌گرفت. پس از مرگ تیمور و به قدرت رسیدن شاهرخ (۸۰۷ق.) نقشه لشکرکشی به چین معطل ماند و مسائل مربوط به منازعات جانشینی تیمور، روابط ایران و چین را وارد مرحله تازه‌ای نمود.

### روابط ایران و چین در دوره شاهرخ تیموری

تیمور چنان‌که گذشت در سال ۸۰۷ق. درگذشت و آرزوی فتح چین را به گور برد. پس از مرگش بین شاهزادگان تیموری بر سر تخت و تاج نزاع درگرفت. سرانجام پیروز نهایی منازعات جانشینی شاهرخ بود که توانست برجای پدر مستقر گردد.

عصر شاهرخ را می‌توان دوران استقرار ثبات سیاسی و آغاز شکوفایی نهضت علمی و ادبی در دوران تیموری دانست. هر چند تیمور پیشه‌وران و صنعت‌گران و هنرمندان و دانشمندان هر کشور را به سمرقند کوچ داد ولی دوران پر از جوش و خروش وی که هنوز یورش‌های تمام نشده یورش‌های دیگر شروع می‌شد، نمی‌توانست به صورت یک عصر هنری و علمی درآید. در زمان شاهرخ ارتباط سیاسی و فرهنگی با جهان خارج گسترده‌تر شد (نویسی، ۱۳۶۶: ۸۳-۸۲).

وقتی تیمور درگذشت، پادشاه چین سفیرانی را برای گفتن تسلیت همراه با نامه‌ای به ایران فرستاد. نخستین سفیر چین به دربار شاهرخ چهار سال بعد از مرگ تیمور در سال ۸۱۱ ق. رسید. هدف از این سفارت، اظهار همدردی و اعلام تسلیت پادشاهی چین به مناسبت درگذشت تیمور بود، شاهرخ به آنها احترام گذاشته و بعد از مدتی اجازه بازگشت به چین را به آنان داده است (فصیحی خوافی، ۱۳۳۹: ۱۸۰).

شاهرخ، امیر سیدترخان که یکی از سرداران خود بود را با اسبی مشهور به «بودی» یا «بودی» نزد «دای منگ‌خان» امپراتور چین فرستاد. امپراتور از اسب بسیار خوشش آمد به گونه‌ای که نقاشان چینی صورت اسب را در حالی که دو نگهبان آن را نگاه داشته بودند، بسیار زیبا نقاشی کردند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲: ۶۶۶/۲).

در سال ۸۱۵ ق. دومین گروه از سفیران چین موسوم به «بوتاجین و بی‌تاجین» با نامه «دای مینگ‌خان» به حضور شاهرخ رسیدند. در این نامه دای مینگ‌خان ضمن سفارش به شاهرخ در مورد رعایت حقوق عامه مردم و اشاره به برابری انسان‌ها، ایجاد روابط دوستانه و تجاری میان دو کشور را خواستار شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۲۹/۲).

سلطان تیموری دستور داد تا به احترام سفیران شهر و بازارها را آذین‌بندی نمایند و راه عبور عامه را با پارچه‌های ابریشمی و فرش‌های خوب پوشاندند و هر هنرمند و صنعت‌کاری به عرضه کردن هنر خودش پرداخت، سرانجام سفرا به حضور شاهرخ رسیده و نامه «دای‌مینگ‌خان» را تسلیم شاهرخ نمودند (نویسی، ۱۳۶۶: ۸۷).

شاهرخ در پاسخ به نامه «دای‌مینگ‌خان» در نامه‌ای به دو خط فارسی و عربی وی را به پذیرش دین مبین اسلام دعوت و تمایل خود را به برقراری ارتباط میان دو کشور ابراز کرد. شاهرخ نامه را به همراه سفیر خود، «شیخ محمد بخشی» با سفرای چین نزد دای‌مینگ فرستاد (نوایی، ۱۳۷۰: ۱۴۰-۱۳۱). در سال ۸۲۰ق. سفرای دیگر به نام «بی‌باچین» و «توباچین»، «جات باچین» و «تتق باچین» با بیش از سیصد سوار و تحفه و هدایای بسیار به دربار شاهرخ وارد شدند. منظور «دای‌مینگ‌خان»، تداوم صلح و دوستی، امنیت راه‌های تجاری و گسترش روابط میان ایران و چین بود. شاهرخ ضمن پذیرایی از این سفرا به هنگام بازگشت سفیری به نام «اردشیر تواچی» را در سال ۸۲۰ق. همراه آنان به چین فرستاد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳۵۴-۳۵۵).

اما مهم‌ترین سفارت ایران به چین در سال ۸۲۲ق. انجام شد که کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی در مطلع‌السعدین جریان این سفرا را از قول «غیاث‌الدین نقاش» که به چین رفته بود نقل می‌کند اما در این زمان «اردشیر تواچی» به نزد شاهرخ برگشت و از احوال و اخبار چین اطلاعاتی را به سمع شاهرخ رسانید. به دنبال آن سفرای دای‌مینگ خان بار دیگر در سال ۸۲۲ق. با نامه‌ها و هدایا به حضور شاهرخ رسیدند. این سفرا «تاجین» و «خان تاجین» نام داشتند، سپس در سال ۸۲۳ق. سفرای چین نزد ابراهیم سلطان، فرزند شاهرخ و حاکم شیراز و امیر شاه‌ملک، حاکم خوارزم رفتند و سرانجام همه به سوی سمرقند و نزد الغ‌بیگ حرکت کردند. از جمله «شادی خواجه» و «کوکجه» همراه دویست نفر، سلطان احمد و خواجه غیاث‌الدین نقاش همراه یکصد و پنجاه نفر، ارغداق، سفیر سپورغتمش فرزند شاهرخ، همراه شصت نفر، اردوان، سفیر امیر شاه‌ملک، همراه پنجاه نفر ... (میرخواند، ۱۳۷۳: ۶/۶۹۹)، این سفر دو سال و اندی طول کشید و سفرای مزبور با هدایای پادشاه چین در سال ۸۲۵ق. نزد شاهرخ بازگشتند.

خواجه غیاث‌الدین نقاش هر آنچه از عجایب و غرائب و آداب و رسوم چین دیده بود بدون غرض و تعصب نگاشت و از این‌رو شاهرخ بیش از پیش به او توجه کرد (روملو، ۱۳۴۹:

۱۳۸۷/۸/۱). در سال ۱۳۰۰ق. امپراتوری چین رسماً از شاهرخ تقاضا کرد که از بازرگانان چین حمایت کند (بارتولد، بی تا: ۱۸۴).

آخرین گزارش‌های تاریخی درباره روابط سیاسی بین شاهرخ و دربار چین مربوط به سال ۱۳۰۵ق. است. امپراتور چین در این سال در نامه‌ای که برای شاهرخ به هرات می‌فرستد از او به خاطر آشوب‌ها و شورش‌های آسیای مرکزی به ویژه قسمت‌های سرحدی چین گله می‌کند و به جد از او می‌خواهد که به این ناراحتی‌ها خاتمه داده شود. این نامه را «هادم-لی-گویل» به شاهرخ تقدیم کرد (همانجا).

به هر ترتیب روابط میان ایران و چین در عصر شاهرخ بسیار دوستانه بود. امپراتوران چین نیز جانب شاهرخ را نگه داشتند و ایرانیان را گرمی می‌شمردند و آنان را در آیین و عبادات خویش آزاد می‌گذاشتند. گواه بر این مدعا وجود مسجد عظیمی در منتهی‌الیه چین در شهر «هانکچئو» در کنار خلیج زرد است که دارای کتیبه بزرگ فارسی است، این کتیبه دو قسمت دارد: قسمت اول در حمد و ثنای خداوند و مدح دای‌مینگ‌خان خاقان باعظمت چین است که اجازه ساختن مسجدی به مسلمانان را در چین داد و قسمت دوم مشتمل بر توصیف مسجد و تاریخ پایان و ذکر بانی آن [که متأسفانه محو شده است] و نام نویسنده کتیبه است. این کتیبه دارای ۲۳ سطر است و تاریخ اتمام آن رمضان ۸۵۶ق. است، اما مسلماً تاریخ شروع ساخت این مسجد چند سال قبل یعنی در زمان سلطنت شاهرخ بوده است (نوابی، ۱۳۶۶: ۹۲).

### روابط ایران و چین در زمان جانشینان شاهرخ تیموری

هرچند در زمان جانشینان شاهرخ روابط اقتصادی و فرهنگی با چین همچنان ادامه داشت، اما به دلیل فقدان ثبات سیاسی و تعویض پی‌درپی حاکمان در ایران، روابط سیاسی کاهش چشمگیری یافته و به مرور به حداقل‌ترین شکل ممکن رسید.

«الغبیگ» فرزند شاهرخ که زیج او معروف است هیأتی را به ریاست «مولانا علی قوشچی» به چین اعزام داشت (تربیتی، ۱۳۴۲: ۲۸۸). «علاءالدوله» از نوادگان شاهرخ و فرزند بایسنقر نیز نامه‌ای به امپراتوری چین نوشته، حُسن روابط و آمد و شد دوجانبه را خواستار شده بود (نوایی، ۱۳۷۰: ۲۸۰-۲۷۹). در عهد سلاطین تیموری که معاصر با امپراتوران سلسله مینگ یا مین بودند به علت رفت و آمد زیاد ایرانیان به چین مساجد تازه‌ای در آن کشور بنیاد نهاده شد که از میان آنان مسجد بزرگ شهر «هانگ‌چئو» شهرت بیشتری کسب کرده است، این مسجد توسط فخرالدین ترمذی ایرانی در زمان «دای‌مینگ» خاقان چین ساخته شده و بنای آن در سال ۸۵۶ق. به اتمام رسیده است (آذری، ۱۳۳۷: ۱۲۶). در این زمان، علاوه بر روابط سیاسی و اقتصادی، روابط فرهنگی نیز برقرار بود، مسلمانانی که از دوره قبل از سلسله مینگ در چین سکونت یافته بودند در دوره مینگ به درجه‌ای از اعتبار دست پیدا کردند که بنا بر گزارش «خطایی»- که در اواخر سلسله تیموری از آنجا دیدار کرده بود- خاقان را مسلمان کرده بودند و خاقان چون اکثر امرایش کافر بودند از آشکار کردن دین خود پرهیز می‌کرد، دارای مقام والایی بودند، به طوری که بر اساس گزارشی «هفت میر مسلمان از زمان سابق تا این زمان صاحب منصب بوده‌اند و می‌باشند و دیوانخانه‌های آن میران مسلمان را بر سایر امرای خطای مقدم ساخته [اند]» (خطایی، ۱۳۷۲: ۴۸-۴۷).

### نتیجه‌گیری

هرچند روابط سیاسی میان ایران و چین در زمان تیمور به دلیل ویژگی‌های شخصیتی او و مسئله مطالبه خراج‌های معوق از سوی سفیران تیمور چین رو به تیرگی و وخامت نهاد اما این روابط در دوره شاهرخ تیموری بسیار صمیمانه و حسنه گردید.

از طرفی در زمان جانشینان شاهرخ اگرچه روابط بازرگانی و فرهنگی با چین به قوت خود باقی بود اما به دلیل منازعات جانشینی و فقدان ثبات سیاسی و تغییر مستمر حاکمان در ایران، روابط سیاسی میان دو کشور به سطحی ضعیف کاهش یافت. روابط میان تیموریان و چین که

نسبتاً حسنه و پربار شده بود، به مرور زمان و با تغییر مسیر دریایی به جای مسیر زمینی در سیاست تجارت خارجی چینی‌ها، تحت شعاع قرار گرفت و در این بین موانعی ایجاد شد. چینی‌ها که نیازهای تجاری خود را از طریق راه دریایی برطرف می‌کردند دیگر نیازی به جاده زمینی ابریشم نداشتند، اما این نیاز در ایران همچنان پابرجا بود، به دنبال این بی‌نیازی مقررات خاصی اعمال نمودند که نتیجه آن گُندی روابط بازرگانی با ایران بود. به دلیل فقدان ثبات سیاسی و تعویض پی‌درپی حاکمان در ایران و مسائل داخلی در هردو کشور، روابط سیاسی کاهش چشمگیری یافته و به مرور به حداقل‌ترین شکل ممکن رسید.

### منابع و مأخذ

- آذری، علاءالدین حسین (۱۳۶۷)، *تاریخ روابط ایران و چین*، تهران: سپهر.
- ابن‌اسفندیار (۱۳۶۶)، *تاریخ طبرستان*، به تصحیح عباس اقبال، تهران: خاور.
- ابن بطوطه (۱۳۶۱)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۷)، *تاریخ مغول*، تهران: امیرکبیر.
- بارتولد، واسیلی (بی تا)، *الغ بیگ و اوضاع زمان وی*، ترجمه حسین احمدی پور، تهران: چهر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، *تاریخ ترک‌های آسیای مرکزی*، ترجمه دکتر غفار حسینی، تهران: توس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶)، *ترکستان نامه*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: آگاه.
- بو. آ. ل (۱۳۴۳)، *تمدن تیموریان*، ترجمه باقر امیرخانی، تبریز: نشریه دانشکده ادبیات تبریز.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۶) *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۲)، *هشت مقاله در زمینه تاریخ*، تهران: توس.
- تربتی، ابوالب حسینی (۱۳۴۳)، *تزوکات تیموری*، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- حافظ ابرو، نورالله (۱۳۷۲)، *زبده التواریخ*، به تصحیح سید کمال سید جوادی، ج ۲، تهران: نشر نی.
- خطایی، علی اکبر (۱۳۷۲)، *خطای نامه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: مرکز اسناد فرهنگی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین الحسینی (۱۳۳۳)، *حبیب‌السیر*، ج ۳، تهران: کتابخانه خیام.

- روملو، حسن بیک (۱۳۴۹)، *احسن التواریخ*، ج ۱، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- سمرقندی، کمال عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع السعدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- فصیحی خوافی، احمد (۱۳۳۹)، *مجمعل فصیحی*، به تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتابفروشی باستان.
- کلاویخو، روی گونزالوس (۱۳۴۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گروسه، رنه (۱۳۶۸)، *امپراتوری صحرائوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومان (۱۳۵۰)، *هنر ایران*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمب، هارولد (۱۳۸۱)، *چنگیز خان*، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: امیر کبیر.
- مظاهری، علی (۱۳۷۲)، *جاده‌ی ابریشم*، ترجمه ملک ناصر نویان، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۵)، *تاریخ تیموریان و ترکمانان*، تهران: سمت و انتشارات دانشگاه اصفهان.
- میرخواند، محمد (۱۳۷۳)، *روضه الصفا*، تهذیب و تلخیص عباس زریاب خویی، ج ۶، تهران: انتشارات علمی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۰)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶)، *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، تهران: مؤسسه نشر هما.
- نطنزی، معین الدین (۱۳۳۶)، *منتخب التواریخ*، به تصحیح: ژان اوین، تهران: کتابفروشی خیام.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۳۸)، *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، ۲ جلد، تهران: انتشارات اقبال.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۸۸۷)، *ظفر نامه*، به تصحیح: مولوی محمد، کلکته: بی‌نا.